اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ». «یا الله، من از خشم و غضبت به خشنودی و رضایتت و از کیفر و مجازاتت به عفو و بخششت پناه می برم، و از گرفت و مؤاخذه ات به تو پناه می آورم، مرا توان و یاری آن نیست که به بیان ثنا و توصیف شایسته و وصف و شکوه بایسته ات بپردازم، تو چنان هستی که خودت را ستایش نموده ای

از عائشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: شبی رسول الله صلی الله علیه وسلم را کنار خود نیافتم؛ پس اطرافم را جستجو کردم؛ دستم به کفِ پاهای نصب شده اش خورد؛ درحالی که در مسجد بود و می فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ». «یا الله، من از خشم و غضبت به خشنودی و رضایتت و از کیفر و مجازاتت به عفو و بخششت پناه می برم، و از گرفت و مؤاخذه ات به تو پناه می آورم، مرا توان و یاری آن نیست که به بیان ثنا و توصیف شایسته و وصف و شکوه بایسته ات بپردازم، تو چنان هستی که خودت را ستایش نموده ای».

[صحیح] [مسلم روایت کرده]

عائشه رضی الله عنها فرمودند: من در کنار پیامبر صلی الله علیه وسلم خوابیده بودم و هنگام شب وی را در کنارم نیافتم، پس با دست خود محل نماز خواندن وی صلی الله علیه وسلم را در داخل اتاق لمس کردم؛ پس وی را در حال سجده یافتم که پاهایش را نصب نموده بود و می فرمودند: (پناه می برم) و توسل می نمایم (از خشم تو به خشنودی تو) بر من و یا بر امتم، (و) پناه می برم (به بخشش تو) و عفو زیاد تو (از کیفر و مجارات تو)، (و به تو پناه می برم) و به صفات جمال تو از صفات جلال تو، زیرا از تو به تو پناه می برم، چون راه نجات و پناهی از الله جز به سوی او نیست، (من حمد و ثنای تو را شمارش نمی توانم) در شمارش نعمت و احسان تو آنچنان که سزاوار آن هستی ناتوانم، هرچند در آن تلاش کنم. (تو چنان هستی که خودت را ستایش نموده ای)؛ پس تو همان ذاتی هستی که خود را با ستایش شایسته خود ستودی، پس کیست که حق ستایش تو را ادا کند؟!

http://sunnah.global/hadeeth/prs/show/3566